

مسئولیت های کیفری و مدنی طرفین در موضوع رحم اجاره ای

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۸/۰۳)

غلامرضا قاسمی

چکیده

باروری مصنوعی با استفاده از رحم جایگزین یکی از روش های نوین باروری است که اصطلاحاً «اجاره رحم» نامیده شده است. مطابق با این قرارداد، زنی که غیر از همسر است با استفاده از روش های کمکی تولید مثل و با استفاده از اسپرم و تخمک والدین حکمی که در محیط آزمایشگاه بارور شده و به جنین تبدیل شده باردار شود و پس از سپری شدن مدت حمل و تولد، فرزند را به زوج طرف توافق که همان والدین حکمی طفل هستند، تحویل داده و در مقابل والدین حکمی نیز باید از عهده تعهدات منعقد شده در قرارداد با موضوع رحم اجاره ای، برآیند. در این باره، سال ۱۳۸۲ قانونی در زمینه ای اهدای جنین به تصویب رسید که می توان از آن در امر رحم اجاره ای نیز بهره برد. از آنجایی که باید در این زمینه قراردادی منعقد شود، ماده ۱۰ قانون مدنی مقرر می دارد: قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است. این قانون راهگشای مناسبی برای عقد قرارداد خواهد بود. بنابراین، با توجه به اینکه درباره تکالیف و تعهدات طرفین در حقوق ایران قانون خاصی برای رحم اجاره ای وجود ندارد، تعهدات و تکالیف طرفین و شرایط ضمن عقد که در راستای اجرای این قرارداد پیش بینی می گردد، می بایستی به طور کامل و جامع در نظر گرفته شود. در نوشتار حاضر، به بررسی مسئولیت های کیفری و مدنی طرفین در موضوع رحم اجاره ای پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: رحم اجاره ای، والدین حکمی، مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی، رحم جایگزین،

مادر جانشین



مقدمه

نازایی و درمان آن از جمله مشکلاتی است که امروزه زوج‌های جوان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. حدود یک و نیم میلیون زوج نابارور یعنی ۱۰ تا ۱۵ درصد به صورت آماری در ایران، همواره تحت مسائل نازایی هستند و این به عنوان یکی از مشکلات عدید جامعه، همیشه مورد توجه بوده است. اگرچه متولیان بهداشت و درمان، نازایی را یک بیماری تلقی نمی‌کنند، اما مشکلات روحی ناشی از آن بنیاد زندگی زوج‌های جوان را تهدید می‌کند؛ به این خاطر که زوج‌ها اکثراً تصمیم به ازدواج مجدد گرفته و این امر منجر به طلاق می‌گردد. از سوی دیگر مراکزی هستند که راه‌ها و روش‌های درمان این مشکل را تبلیغ می‌کنند و در این زمینه هم نظارت کافی و دقیق بر عملکرد آن‌ها از سوی وزارت بهداشت وجود ندارد و موجب شده است که زوجین نتیجه‌ی مطلوب نگیرند و از نظر روحی و همچنین پرداخت هزینه‌های سنگین، موجب آسیب شدید گردند. پیشرفت علم و فن‌آوری در عصر حاضر بسیار سرعت گرفته است و این امر با خود مسائل و موضوعاتی را به همراه آورده که لازم است از جنبه‌های مختلف مورد مطالعه و ارزیابی قرار گیرد. یکی از این پیشرفت‌ها که به طور روزافزون در حال تکامل است روش‌های نوین کمک باروری یا فن‌آوری‌های کمکی تولیدمثل انسانی^۱ است. شیوه‌هایی که دربرگیرنده تلقیح نطفه به داخل لوله رحم^۲، انتقال نطفه بارور شده به داخل لوله رحم^۳، تزریق اسپرم به داخل تخمک^۴، و لقاح خارج رحمی^۵ می‌شود. در این میان رحم جایگزین یا مادر قراردادی را نیز می‌توان یکی از راه‌های درمان ناباروری به حساب آورد. این موضوع، نشانگر روش منحصر به فردی از فن‌آوری‌های کمکی تولیدمثل انسانی به حساب نمی‌آید؛ بلکه تنها توافقی است به صورت قراردادی نوشته می‌شود و بر حسب آن زنی قبول می‌کند که با یکی از روش‌های بیان شده، باردار

^۱ Assisted Reproductive Techniques

^۲ Gamete Intra fallopian Tube Transfer

^۳ Zygote Intra fallopian Tube Transfer

^۴ Intra cytoplasmic Sperm Injection

^۵ In Vitro Fertilization



شود و پس از بارداری کودک را به زوجین متقاضی که همان والدین حکمی کودک به حساب می‌آیند، تحویل دهد (جیمز^۱، ۲۰۰۳؛ به نقل از رحیمی، ۱۳۸۷: ۶۶).

استفاده از رحم اجاره‌ای در مواردی است که شرایط یا بیماری‌های خاصی باعث اختلال گامت‌ها و اختلال توانایی باردار شدن می‌شوند. در این صورت می‌توان از سایر گزینه‌های تولیدمثل شبیه رحم اجاره‌ای استفاده نمود که به آن تولید مثل با استفاده از شخص ثالث اطلاق می‌گردد (نواک^۲، ۲۰۱۲؛ به نقل از جهانی شوراب و لطیف‌نژاد رودسری، ۱۳۹۵: ۳۴). در سال ۱۹۸۵، در آمریکا اولین مورد تولد کودک با استفاده از رحم جایگزین، انجام گردید (برسندن^۳، ۲۰۰۳؛ نوری‌زاده^۴، ۲۰۰۹؛ به نقل از جهانی شوراب و لطیف‌نژاد رودسری، ۱۳۹۵: ۳۴). در حقیقت در اجاره رحم اسپرم پدر با تخمک مادر در محیط آزمایشگاهی لقاح داده می‌شود و جنین حاصله در رحم زن دیگری که قابلیت بچه دار شدن را داشته باشد جایگزین می‌شود و نوزاد متولد شده ویژگی‌های ژنتیکی پدر و مادر خود را به ارث می‌برد. البته به نقل از دانشمندان و پزشکان، اگر چه فرد حامل جنین از لحاظ چهره و به لحاظ فیزیکی و ژنتیکی تاثیری بر روی جنین نمی‌گذارد؛ ولی از نظر روحی و روانی شاید به میزان اندکی بر جنین بتواند تاثیر گذارد. زوج‌هایی که در صدد اهداء جنین می‌باشند، از نظر پزشکی می‌بایستی نسبت به وضعیت بیماری‌های عفونی از جمله HIV و بیماری‌های ویروسی ژنتیکی و سلامتی جسمانی مورد بررسی و آزمایش قرار گیرند و در صورت عدم وجود مشکلات جسمی و روحی، قرارداد منعقد گردد. این مسئله‌ی نوظهور پزشکی، مسئولیت‌های کیفری و مدنی را به دنبال دارد، و فقه و حقوق در صدد پاسخ به سؤالات و شبهات در این زمینه بوده است. بدین ترتیب در این نوشتار سعی بر آن شده است که به این شبهات و سؤالات پاسخ داده شود.

^۱ Ponzetti James J.

^۲ Novak E.

^۳ Brinsden PR

^۴ Nurizadeh R



• پیشینه پژوهش

در این زمینه پژوهش‌هایی در داخل کشور انجام شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

محمدحسینی حیران و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی حقوقی و فقهی رحم اجاره‌ای در ایران پرداختند. به این نتیجه رسیدند که رحم اجاره‌ای در فقه اسلامی مورد قبول می‌باشد و صاحب تخمک مادر نوزاد محسوب می‌شود و قهراً صاحب نطفه پدر او است. به نظر می‌رسد اکثریت فقها در رابطه با موضوع رحم اجاره‌ای با دیدگاه حقوقدانان در علم حقوق یکسان هستند. همچنین موضوع رحم اجاره‌ای با قوانین ایران سازگاری دارد.

کاشفی و احمدی (۱۴۰۰) پژوهشی تحت عنوان «بررسی و واکاوی اهدای جنین، تخمک و رحم اجاره‌ای از منظر فقه و حقوق» انجام دادند. به این نتیجه رسیدند که تلقیح مصنوعی به نام رحم اجاره که در آن جنین ناشی از زن و شوهر قانونی جهت پرورش در رحم زن سومی به نام مادر ماسطه و تنها به دلیل اشکال در رحم زوجه صاحب جنین منتقل می‌شود، هنوز مورد اختلاف فقها و حقوقدانان است؛ ولی با گذشت زمان طولانی مراکز ناباروری منتظرند که هرچه سریع‌تر مشکل ناباروری این دسته از زوج‌ها با تصویب قانون مرتفع گردد.

لطفی (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان «رحم اجاره‌ای از دیدگاه فقه اهل بیت علیه السلام و فقه اهل سنت» ارائه نمود. این مقاله در راستای همین موضوع بنا دارد حکم شرعی رحم اجاره‌ای را از دیدگاه فقه اهل بیت و فقه اهل سنت به شیوه توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع فقهی مورد بررسی قرار دهد. مشهور فقهای معاصر امامیه از جمله آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله خویی بر جواز این مسئله حکم نموده و در این باره اختلاف چندانی ندارند. تنها عده‌ای معدود از فقها از جمله آیت‌الله تبریزی و آیت‌الله فاضل لنکرانی حکم به عدم جواز نموده‌اند. از نظر فقهای اهل سنت، اجاره نمودن رحم زن بیگانه از ابداعات غربی‌ها است و بر خلاف موازین اخلاقی می‌باشد. مجمع الفقه الاسلامی آن



را حرام و ممنوع قرار داده است. به اتفاق نظر فقهای امامیه و اهل سنت، صاحبان تخمک و اسپرم، والدین حقیقی طفل حاصل از رحم استیجاری هستند و کودک از جهت ژنتیکی منتسب به صاحب اسپرم و تخمک می‌باشد.

بیرامی فارفار و رزم‌خواه (۱۳۹۹) مقاله‌ای پژوهشی تحت عنوان «نسب کودکان متولدشده از رحم اجاره‌ای؛ مطالعه تطبیقی در حقوق موضوعه ایران و ترکیه» ارائه نمودند. در این پژوهش به ارائه نتایج و دیدگاه‌های مختلفی در ایران و ترکیه در زمینه قرارداد رحم جایگزین پرداختند. به این نتیجه رسیدند که حقوق ایران کودک را منتسب به مادر ژنتیک (صاحب تخمک) و حقوق ترکیه کودک را منتسب به مادر فیزیولوژیک (نگهداری کننده) می‌داند.

دادخواه و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «فرهنگ رحم‌اجاره‌ای در جامعه‌ی ایرانی شهر تهران» انجام دادند. ایشان، در این پژوهش نشان دادند که چگونه این روش از فرزندآوری موجب کالایی شدن فرآیندهای فرزندآوری و مادری شده است.

هاشمی و افتاده (۱۳۹۸) پژوهشی تحت عنوان «بررسی احکام نسب و تابعیت طفل متولد شده از عقد رحم اجاره‌ای» انجام دادند. ایشان در پژوهش حاضر دو مورد نسب را مورد بررسی قرار دادند. اول: انتقال جنین (نطفه بارور شده) به رحم زنی که با مرد صاحب اسپرم رابطه زوجیت دارد. دوم: انتقال جنین (نطفه بارور شده دو همسر) به رحم زنی که با مرد صاحب اسپرم رابطه زوجیت ندارد. بنابر قاعده در هر دو حالت نسب طفل به صاحب اسپرم (پدر) برمی‌گردد و وجود رابطه زوجیت یا عدم آن بین مرد صاحب اسپرم و زن صاحب جنین تاثیری در نسب طفل ندارد.

شاگری (۱۳۹۶)، مقاله‌ای با عنوان «بررسی فقهی استفاده از رحم اجاره‌ای» ارائه داده است که به بررسی حکم تلیفی و وضعی استفاده از رحم اجاره‌ای از نظر فقه پرداخته است.



ندایی (۱۳۹۲) در پژوهشی به احکام فقه قرآنی رحم اجاره‌ای پرداخته است. وی، در این مقاله به صورت استدلال بر مبنای قرآن ثابت کرده است که تنها تلفیق مصنوعی زن و شوهری که به یکدیگر محرم هستند حلال و سایر تلفیق‌های مصنوعی و رحم‌های اجاره‌ای حرام و مجاز نیستند.

کریمی و مهتری (۱۳۹۱) پژوهشی تحت عنوان «حکم فقهی رحم اجاره‌ای» انجام دادند. این گونه عنوان می‌کنند که «از آنجایی که دلیل روشنی بر حرمت عمل مذکور در دست نیست، عمل به اصل برائت تنها گزینه مورد وفاق می‌تواند باشد. با توجه به اصل مذکور و با توجه به عدم دلیل به تحریم از سویی و احراز عدم مخالفت چنین عملی با شریعت از سوی دیگر می‌توان ادعا نمود که گرفتن تخمک از زن و لقاح آن با اسپرم مرد در خارج و سپس جایگزینی آن در رحم زن دیگر محکوم به جواز می‌باشد و فقط از آیات روایات ابواب فقهی مرتبط و اصول و کلیات فقه شیعه و از ادله و روایات خاص مربوط به شیوه‌های غیرطبیعی تولیدمثل می‌توان احکام و آثار این روش را استنباط نمود. اگر گروهی از فقها به کارگیری این روش را مورد تردید قرار داده‌اند، احتمالاً به جهت بیم از ارتکاب کارهای مقدماتی حرام نظیر اخذ تخمک از زن توسط نامحرم یا اخذ اسپرم به روش غیرمجاز بوده است.»



• مفاهیم و تعاریف

■ رحم

رحم در لغت به معنای زهدان و بچه‌دان آمده است (معین، ۱۳۶۰: ۵۶۶). و در اصطلاح، اندامی است در بدن جنس ماده پستانداران که جنین در آن به وجود آمده و رشد می‌کند تا هنگام زایمان فرارسد (نایب‌زاده، ۱۳۸۰). رحم، در اصل یکی از اعضای داخلی زن است که به واسطه‌ی آن جنین را حمل می‌کند (صدر، ۱۴۲۰ ق).

■ اجاره

اجاره در لغت به معنای پاداش عمل، اجرت و مزد است (مکی عاملی، ۱۳۹۷). همچنین اجاره در فرهنگ معین به معنای پناه دادن، به فریاد رسیدن، به مزد گرفتن و کرایه آمده است (معین، ۱۳۶۳). در اصطلاح عقدی است که به موجب آن مستأجر در برابر مالی که به موجر می‌دهد، برای مدت معین مالک منافع عین مستأجره می‌شود. یعنی همان سلطه و اختیار استفاده از مالک را از عین مورد اجاره دارد. بنابراین، اجاره، عقدی تملیکی، معوض و موقت است (نایب‌زاده، ۱۳۸۰). در اصطلاح فقه عبارت است از تملیک منفعت معلوم به عوض معلوم و یا عقدی است که ثمره آن چنین باشد (مکی عاملی، ۱۳۹۷).

■ رحم اجاره‌ای

شیوه‌ای است برای دستیابی زوجین نابارور به فرزند که به موجب آن، مادر جانشین به وسیله‌ی روش‌های کمکی تولیدمثل و با استفاده از جنین حاصل از اسپرم والدین حکمی باردار می‌شود و پس از تولد، او را به زوج طرف توافق تحویل می‌دهد (علیزاده، ۱۳۸۵: ۱۷۹).



■ مادر جانشین

مادر جانشین زنی است که واسطه و میانجی شده تا جنین رشد سالم و سلامت داشته باشد و در عمل برای والدینی که متقاضی فرزند هستند لیکن نابارور بوده یا به هر دلیلی امکان پزشکی فرزند داشتن برای خودشان از طریق طبیعی ممکن نیست، اجیر می‌شود و در قبال اجرت معین و مشخصی طبق قرارداد امضاء شده، پس از طی مراحل قانونی و پزشکی زیر نظر تیم پزشکی، خاص برای صاحبان نطفه فرزند می‌آورد. این اعم از آن است که تخمک متعلق به مادر متقاضی فرزند باشد یا در آزمایشگاه و خارج از رحم مادر متقاضی فرزند فراکاشت شده و آماده باروری شده باشد (تاجگر، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

■ والدین حکمی

تلقیح مصنوعی اقسام مختلفی دارد که قسم سوم آن اجاره رحم است که در این قسم زن و شوهر با اسپرم و تخم خود تشکیل جنین داده و آن را در رحم زن نامحرمی قرار می‌دهند تا بعد از انقضای مدت حمل و وضع کودک را به صاحبان جنین تحویل دهد (قبله‌ای، ۱۳۷۷: ۶۷).

پدر و مادر متقاضی فرزند از طریق آزمایشگاه یا تلقیح مصنوعی، مستأجر هستند که دو نفرند و به صورت مثنی «مستأجرین» یا «والدین» گفته می‌شد که در حکم پدر و مادر فرزند ناشی از لقاح خارج از رحم یا متولد شده با تلقیح مصنوعی هستند؛ یعنی پدر و مادر طبیعی نیستند بلکه در حکم والدین حقوقی و البته شرعی محسوب می‌شوند (تاجگر، ۱۳۸۹: ۱۲۱).

• مالکیت و شخصیت فرزند در رحم اجاره‌ای

در اینجا این سوال مطرح می‌شود که مادر طفل متولد از رحم اجاره‌ای چه کسی است؟ در پاسخ سوال پیش آمده، آیت الله مؤمن به آیه ۲۳ مبارکه سوره نسا اشاره نموده و ملاک را در مالکیت فرزندی رابطه نسبی می‌داند نه رابطه فرزندخواندگی و از این رو مادر واقعی کودک را شخص صاحب تخمک معرفی می‌نماید نه شخصی که صاحب رحم است.



برخی از حقوق‌دانان معتقدند که ملاک اصلی الحاق نسب بین طفل و شخص یا اشخاص دیگر، پیدایش او از نطفه ایشان است، منتها قانون‌گذار فقط زنا را مانع تحقق نسب مشروع دانسته است. بنابراین در هر مورد اگر زنا صادق نباشد مانعی در انتساب طفل به شخصی که از نطفه او تکوین پیدا کرده وجود نخواهد داشت (شهیدی، ۱۳۸۵: ۱۸۳).

سیدمرتضی قاسم‌زاده دانشیار دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری، بر این عقیده است که مادر واقعی طفل همان شخص صاحب تخمک می‌باشد. همچنین تصریح می‌نماید که پس از بارداری دایه، مادر طبیعی چنین حقی را دارد که جنین خویش را از دایه مطالبه کند. در این صورت دایه حق استتکاف ندارد مگر اینکه برخلاف آن تراضی شده باشد یا تمکین از خواسته مادر به ضرر جنین یا دایه باشد. البته عده‌ای دیگر از علما با بیان اینکه مادر حکمی به واسطه تخمک و مادر حامل به واسطه رحم به فرزند محرم می‌شوند هر دو را مادر کودک تلقی کرده و احکام مادری را بر هر دو شخص حکم می‌کنند. اما در ورای همه‌ی این بحث‌ها تا به امروز مشکلات زیادی در این رابطه وجود داشته است. در مواردی زنی که رحمش را اجاره داده پس از به دنیا آمدن کودک به او وابسته شده و خود را مادر بچه می‌داند و حاضر به ترک طفل متولد شده نمی‌باشد. در مواردی والدین بچه در مدتی بعد از انتقال جنین با هم اختلاف پیدا کرده و گاه کار به طلاق می‌انجامد و بچه را نمی‌خواهند در این مرحله تکلیف زن اجاره دهنده و بچه نامشخص است. این در حالی است که ممکن است زایمان صورت گرفته باشد؛ لیک طفل به نقص ژنتیکی دچار شود و پدر و مادر صاحبان جنین بگویند که بچه را نمی‌خواهند و حاضر نباشد که طفل را از مادر اجاره‌ای تحویل بگیرند (شهر قانون، ۱۳۹۱: ۶۵). ولادت ملاک انتساب کودک به مادر است. طرفداران این دیدگاه معتقدند که ملاک اثبات نسب مادری ولادت کودک از مادر است. این دسته از فقها در اثبات نظریه خود چنین بیان می‌کنند: اساساً در زمان نزول آیات و صدور روایات مردم به اطلاعات جدید پزشکی که کودک، حاصل لقاح اسپرم و تخمک است آگاهی نداشتند و رحم زن را ظرف رشد جنین می‌پنداشتند و با وجود این زن صاحب رحم را مادر می‌دانستند؛ این نشان می‌دهد که مبنای داوری آن‌ها زاییدن بوده است؛ یعنی زنی که



کودک را زایمان می‌کرد، او را مادر می‌دانستند و قانونگذار اسلام نیز این عرف را تحت شرایطی امضاء کرد. به عبارت دیگر موضوعاتی که در لسان شرع گفته شده منزل بر متفاهم عرفی است و در هر موردی اگر نظر شارع مقدس برخلاف آن باشد تصریح به آن می‌کند و در این مورد که صاحب تخمک مادر است، صراحتی در بین نیست و از «أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ» (مجادله: ۲) استفاده می‌شود که تمام موضوع پرورش در رحم است. طرفداران این دیدگاه جدای از آنکه برای اثبات ادعای خود به تعریف مادر در لغت‌نامه استدلال می‌نمایند به آیاتی نیز استناد می‌کنند: «کسانی که با زنان خود ظاهر می‌کنند آنان مادرانشان تنها کسانی هستند که آنها را زاده‌اند، استفاده این دسته از فقها از این قبیل آیات به این صورت بوده است که مادر را زنی میدانند که کودک را به دنیا می‌آورد، نه زنی که تخمک متعلق به اوست».

همچنین، رابطه ژنتیکی ملاک انتساب کودک به مادر است این دیدگاه در میان فقها طرفداران زیادی دارد، طرفداران این دیدگاه بر این اعتقادند که ملاک مادر بودن، همانند پدر بودن چون بدون هیچ تردیدی از نظر دانش پزشکی منشا پیدایش و سلول سازنده جنین از ناحیه، مادر تخمک زن است این گروه برای تقویت دیدگاه خود به معنای «ام» نیز توسل جسته‌اند، زیرا «ام» در لغت به معنای «اصل کل شی» و ماده است، جهت اطلاق آن به زنی که کودک را به دنیا می‌آورد این است که کل جنین از اوست. اینان معتقد هستند رحم صرفاً نقش حفظ و نگهداری و تغذیه تخمک لقاح یافته را ایفاء می‌کند، همان‌گونه که پس از تولد وظیفه تغذیه او از طریق شیر دادن است و اگر به زنی که شیر می‌دهد، مادر گفته می‌شود این کاربرد مجازی است علاوه بر آن صفات وراثتی کودک فقط از جانب صاحب تخمک به او منتقل می‌شود این گروه هیچ نسبتی بین مادر جانشین و کودک نمی‌شناسند، زیرا تخمک مادر جانشین در پیدایش کودک شرکت نداشته است و صرف تکامل یافتن و گذراندن مراحل رشد در رحم وی نیز سبب به وجود آمدن نسب نمی‌شود. بدین ترتیب رابطه نسبی، تنها بین کودک و زن صاحب تخمک برقرار می‌شود. این دسته از فقها در پاسخ به استدلال کسانی که برای اثبات مادر بودن زنی که وضع حمل کودک را انجام می‌دهد به آیه شماره ۲ سوره مجادله تمسک



کرده‌اند می‌گویند واژه «لدن» در آیه مزبور به معنای زایمان نیست، زیرا در قرآن و بعضی از اخبار برای پدر نیز همین تعبیر به کار گرفته شده است. ولادت و ارتباط ژنتیکی هر دو ملاک انتسابی کودک به مادر است. گروهی از فقها و حقوق‌دانان سعی کرده‌اند با ارائه نظریاتی این نظریه را تقویت نمایند که تعلق طبیعی کودک به دو زن وجود دارد و هر کدام از آنان می‌توانند مادر طبیعی و قانونی طفل به شمار آیند. این دیدگاه در میان فقها و حقوق‌دانان طرفدارانی برای خود دارد که کودک متولد شده از رحم جایگزین را دارای دو مادر می‌نامند و برای آن اشکالی جز خلاف عادت بودن، قائل نیستند و بر این باورند که کودک را باید هم به صاحب تخمک نسبت داد و هم به مادر جانشین زیرا اگرچه هسته نخستین انسانی را صاحبان اسپرم و تخمکها تولید میکنند ولی این مقدار کافی نیست و تولید اعضاء و جوارح به ویژه در جریان تبدیل جنین به هیئت انسانی به مادر جانشین نسبت داده می‌شود، بنابراین نسبت دادن جنین کودکی به دو مادر با مبانی و اصول پذیرفتنی است. می‌توان گفت زن صاحب رحم یا اجیر با نوزاد بیگانه نیست؛ زیرا این کودک در دوران جنینی از خون این زن تغذیه کرده و بعد از ولادت نیز شیر ناشی از این حمل مناسب‌ترین غذای این کودک است. بنابراین چون علاقه این زن به کودک کمتر از صاحب تخمک نیست و کودک به شیر این مادر و گرمای عاطفی و تپش قلب او که مدتها با وی مأنوس بوده است، نیاز مبرم دارد، شایسته نیست که نوزاد از شیر این مادر و احساس و عواطف وی محروم شود از این رو بهتر است از جهت حرمت، نکاح حق ملاقات توارث و انفاق این زن هم مادر طفل دانسته شود، اگرچه ممکن است پذیرش دو مادری به جهت غیر عادی بودن آن در مرحله نخست مشکل به نظر برسد، اما با عوض کردن فرض مسئله، پذیرش آن آسان خواهد بود. می‌دانیم تخمک از دو قسمت هسته و پوشش بیرونی به نام سیتوپلاسم تشکیل شده است و علم پزشکی این امکان را فراهم می‌سازد که هسته تخمکی را جدا کرده و هسته تخمک زن دیگری را جایگزین کرد. بنابراین امکان اینکه هسته تخمک از یک زن و ماده سیتوپلاسم از زن دیگر باشد وجود دارد علاوه بر مشارکت دو زن در تخمک و رحم امکان مشارکت در تخمک نیز وجود دارد. در فرض اخیر آیا می‌توان برای هر دو زن نقش مادری قائل شد؟ جواب مثبت است پس می‌توان دو یا چند زن



را مادر حقیقی طفل دانست و برخی از احکام مانند حرمت ازدواج را نسبت به همگی جاری دانست؛ ولی در مورد ارث حضانت نفقه و تربیت باید به زنی نقش مادری سپرد که متقاضی داشتن فرزند است. از میان فقهای معاصر، شیعه موسوی اردبیلی قائل به دو مادری است، وی چنین استدلال می‌کند که نسب یک رابطه اعتباری است و از امر تکوینی و واقعی که همان پیدایش طبیعی طفل از والدین خود است انتزاع می‌شود و حقیقت شرعیه ندارد، یعنی عرف این اعتبار را رد می‌کند و شرع آن را تأیید می‌کند (بیرامی فارفار و رزمخواه، ۱۳۹۹: ۲۸۹-۲۹۱).

در قاعده «الولد للفراس و العاهر الحجر» فراس به معنی رابطه جنسی مشروع بین زوجین بوده و این رابطه در مفهوم وسیع خود شامل تلقیح مصنوعی نیز می‌رود. به گونه‌ای که به موجب اماره فراس طفل متولد از تلقیح مصنوعی گامت زوجین نیز مشمول ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی بوده و اماره فراس در این مورد نیز جریان دارد، چرا که در تحقق نسب وقوع نزدیکی به معنای متعارف آن مد نظر نیست؛ بلکه تکون جنین از ترکیب زن و شوهر ملاک است. هم‌چنان که اگر در نتیجه تماس بدنی تفخیز، زوجه آبستن شود باید جنین را منسوب به آن زن و شوهر کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۳۲۹-۳۲۸).

بنابراین با عنایت به ماده ۱ قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور که جنین از نطفه زن و شوهر شرعی و قانونی تشکیل می‌شود طفل متولد شده ملحق به صاحبان نطفه بوده و هیچ ارتباطی با زن و مرد متقاضی جنین ندارد و تنها رحم زوجه محیط مساعد برای پرورش جنین است. به این ترتیب اگر چه نظراتی دیگر وجود دارد که عده‌ای طفل را به مادر متقاضی و گروهی نیز هم به زن صاحب تخمک و هم زن صاحب رحم منتسب می‌کنند؛ اما آنچه شرع و عقل و عرف بدان تمایل دارد، انتساب کودک به زن و شوهر صاحب نطفه می‌باشد.

• مسئولیت‌های کیفری و مدنی رحم اجاره‌ای

در مبحث اجاره رحم، باید بین طرفین اجاره‌نامه‌ای قانونی منعقد گردد که طرفین را متعهد به انجام تعهدات مندرج نماید. شرح اجاره‌نامه بدین صورت خواهد بود که در آن طرفین اجاره‌نامه صاحبان



نطفه و صاحب رحم اجاره‌ای (مادر میانجی) است. صاحب رحم اجاره‌ای در این اجاره‌نامه نسبت به صاحبان نطفه متعهد می‌شوند که نطفه ممزوج شده آنها در زمان و مدت مشخص در رحم خود با شرایط پیش بینی شده نگهداری نماید و در زمان موعود بدون هیچ احتمالی به آنها تحویل دهد که برای این تعهد خود اجاره بهایی به نسبت آن مدت نگهداری در قرارداد مشخص می‌شود که صاحبان نطفه باید آن را در زمان مشخص و معین در قرارداد پرداخت کند. ضمناً اگر در قرارداد برای رفاه مادر میانجی، صاحبان نطفه تهیه ابزارآلات و وسایلاتی را تعهد کرده باشند باید در زمان مشخص آن وسایل و ابزار آلات را تهیه و تحویل مادر میانجی نمایند و بسیاری از وسایل دیگر مثل هزینه عمل جراحی انتقال نطفه و هزینه عمل وضع حمل نوزود و خوراک و پوشاک مادر در زمان نگهداری که باید عیناً با توافق طرفین با جزئیات تمام قید شود. با اینکه به جهت منعقد قرارداد اجاره‌نامه بررسی این عمل حقوقی در محدوده حقوق خصوصی (حقوق مدنی) جای دارد، اما برای اینکه این امکان وجود دارد که در طول مدت نگهداری نطفه توسط مادر میانجی اتفاقات بدون پیش‌بینی رخ دهد که بررسی این وقایع پای حقوق جزا را پیش کشد.

از آنجا که صاحبان نطفه کسانی هستند که نطفه ممزوج شده خود را برای نگهداری به مادر میانجی تحت شرایطی سپرده‌اند تا با پرورش نطفه در زمان مشخص در رحم خود جنین پرورش یافته را به آن تحویل دهد. چرا که ایشان کسی هستند که طی یک قرارداد نطفه را پرورش دهد و هیچ حقی نسبت به جنین از نظر اولیای دمی ندارد؛ چرا که هیچ نقشی در ایجاد نطفه نداشته است و فقط مسئول پرورش نطفه ممزوج شده توسط صاحبان نطفه بوده است. به نظر می‌رسد صاحبان نطفه همان اولیای دم جنین می‌باشند و مادر میانجی نیز به جهت اینکه فقط شخص اجیر شده برای نگهداری و پرورش جنین می‌باشد، هیچ حقی نسبت به آن جنین ندارد که این امر در قرارداد نیز محرز می‌باشد. اما اگر از طریق جنایت بر جنین آسیب و خساراتی بر مادر میاجی حاصل شود ایشان می‌توانند از جنایتکار ادعای خسارت کنند. این امر از عدم ارث بری مادر میانجی و جنین از یکدیگر نیز که فقها بر آن اتفاق نظر دارند نیز قابل استنباط است.



صاحبان نطفه (زن و شوهر) کسانی هستند که رحم زن اجیر شده را برای نگهداری نطفه ممزوج شده خود اجاره کرده اند که رحم زن طی قرارداد منعقد شده بین آنها تا مدتی (حداکثر نه ماه) در اختیار صاحبان نطفه می‌باشد. البته این حق اختیار فقط باید با شرایطی باشد که هیچ نظر و لمسی به زن اجیر شده از سوی صاحبان نطفه به اعتقاد مراجعه نباید صورت گیرد. با این همه به نظر می‌رسد اگر نتیجه جنایت جنایتکار لطمه‌ای به جنین وارد کند صاحبان نطفه بتوانند نسبت به آن از سوی جنایت کار اعداد خسارت کنند. اما نسبت به مادر میانجی هیچ حقی اعم از درخواست مجازات برای جنایتکار یا خسارات بابت آسیب یا فوت ندارند چرا که یک عضو از اعضای بدن مادر میانجی در اجاره‌ایشان می‌باشد که آن را هم برای استفاده مشخص شده در چهار چوب تعیین شده اجاره کرده اند. اگر مادر میانجی نسبت به این عمل خود قصد و عمد داشته باشد به جهت اینکه نطفه ممزوج شده برای نگهداری به وی سپرده شده بود و ایشان هم طبق مفاد قرارداد مسئول نگهداری جنین می‌باشد؛ فلذا اگر آسیبی به جنین وارد شود اولیای دم جنین (صاحبان نطفه) می‌توانند به نسبت میزان خسارات وارده از محاکم ذیصلاح درخواست مجازات و پرداخت خسارات و حتی دیه نمایند. اما اگر نسبت به این عمل خود قصد و عمدی نداشته است، اما فعل او به طوری بوده است که نشان از بی‌احتیاتی و عدم توجه او نسبت به تغذیه خود باشد، این فعل او نیز همان عواقب فعل با قصد را دارد که فوقاً ذکر گردید. ولی اگر نه قصد داشته باشد و نه فعل او اماره‌ای بر بی‌توجهی او باشد همچنان او از هرگونه مجازات و پرداخت خساراتی بری است. ممکن است گفته شود قرارداد اجاره رحم تجاوز به حریم اتحاد و اشتراکات زیستی و حقوق معنوی زن و شوهر است و از طرف دیگر قراردادی که به موجب آن زن زهدان خود را که که محل پرورش فرزندان طبیعی خود اوست برای مدتی مثلاً ۹ یا ۱۰ ماه در اجاره دیگری قرار می‌دهد و در واقع برده طرف قرارداد شده و چنین قراردادی نوعی بردگی متجری است. بنابراین، چنین قرار دادی باطل و بلاثر خواهد بود و این امکان وجود دارد که در حقوق ایران قرارداد اجاره رحم موجب سلب حق تمتع یا سلب حریت گردد. لذا طبق مواد ۹۵۹ و ۹۶۰ ق.م.چنین قراردادی باطل است البته محافل مذهبی در آمریکا از بطلان این گونه قراردادهای طرفداری می‌کنند. اما



در فقه و حقوق اسلام و در نزد مراجع تقلید به علت جدید بودن مطلب حکم صریحی صادر نشده است. ممکن است گفته شود طبق اصل حاکمیت در قراردادها^۱ فردی با دیگری قراردادی منعقد کرده و متعهد گردیده خدمتی را برای متعهد له انجام دهد و اگر این قرارداد را قوانین آمره یا حکم شرعی صریحاً ممنوع نکرده باشد و خلاف نظم عمومی یا اخلاق نیز تلقی نشود و دارای فواید فردی و اجتماعی هم باشد نافذ و معتبر است و در صحت آن تردیدی وجود ندارد و در موضوع مورد بحث زنی رحم خود را برای پرورش جنین غیر به او اجاره می دهد، یا به موجب این قرارداد متعهد میگردد و رضایت دارد که رحم خود را برای پیوند جنین در اختیار متعهد له قرار دهد اقدامات متعارف را که برای رشد جنین لازم است انجام دهد تا طفل حاصل از جنین اولیه وضع شود و بعد از تولد طفل را تحویل متعهد له بدهد این قرار داد وقتی پذیرفته نیست که مخل نظم عمومی باشد، ولی اگر به اخلاق حسنه و احساس عمومی لطمه ای نزنند و در رفع مشکلات خانواده‌های بدون فرزند که بالقوه استعداد فرزنددار شدن دارند ولی بالفعل با مشکل مواجه هستند مؤثر باشد میتواند کمک شایانی به آنان نموده و از متلاشی شدن کانون خانواده جلوگیری کند به نظر میرسد در صورت تردید در صحت و فساد چنین قراردادی توان اصاله الصحه جاری کرد. در ماده ۲۱۹ ق.م.چنین مقرر گردیده است: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود» و چون این قرارداد حق تمتع را به طور کلی سلب نکرده و حریت به معنای دقیق و اخص کلمه نیز از متعهد سلب نخواهد شد. در صحت آن با توجه به ماده ۱۰ ق.م. و مقررات موجود دیگر تردیدی نیست. البته اجاره رحم و انتقال جنین به آن، پدیده ای است بسیار جوان و خصوصیاتی دارد که با سایر قراردادها مشابهت و قرابت زیادی ندارند لذا میتواند تابع ضوابط خاصی قرار گیرد و اعتبار و آثار این قرارداد با جایگاهی که دارد از طریق اندراج شروط در ضمن قرارداد یا به موجب قانون به طور کامل و دقیق مشخص گردد تا در عمل مواجه با اشکال نشود برای مثال میتوان این قرارداد را مدتی قبل از اجراء قابل فسخ از جانب هر یک از طرفین دانست؛ ولی بعد از

^۱ autonomie detavolonte



شروع اجرای قرارداد و استقرار جنین در رحم اجیر قرار داد قابل فسخ یا اقاله نباشد یا تکالیف معینی برای زن اجیر در نظر گرفته شود. مثلاً در دوران بارداری سیگار نکشد، مشروب و مواد مخدر مصرف نکند یا از خوردن داروهای مخل حاملگی خودداری کند و در مواقع ضروری به پزشک متخصص مربوط به حاملگی و زایمان مراجعه نماید و موارد غذایی لازم که در رشد و تکامل جنین اثر قطعی دارد مصرف کند و بدون اجاره صاحب جنین یا طرف قرارداد اقدام به سقط آن، نکند مگر به ضرورت و اگر آزمایشات نشان دهد که جنین حالت عادی ندارد و بر طبق توصیه و دستور شک متخصص لازم باشد رشد حمل متوقف گردد نسبت به سقط آن اقدام به عمل آید همان طور که اشاره شد در حقوق ایران قرارداد پرورش جنین در رحم غیر، به استناد مواد ۱۰ و ۲۱۹ ق.م و اصل حاکمیت اراده اعتبار دارد و النهایه لازم است شرایط خاصی به موجب قانون به با صورت شروط ضمن عقد در راستای اجرای این قرارداد پیش بینی شود و چنین قراردادی حریت زن را سلب نخواهد کرد و لازم است یادآوری شود که مشکلات و رنج حاملگی ارجی ارتباطی با سلب حق تمتع یا حریت زن ندارد و الا حاملگی از شوهر نیز با مشکل مواجه خواهد شد (کاشفی و احمدی، ۱۴۰۰: ۶۵-۶۶). طفلی که از اسپرم مردی به وجود می آید از جهت بیولوژی و طبیعی، فرزند خونی صاحب آن اسپرم محسوب می شود و ارتباط خونی صاحب اسپرم با کودک مسلم است. لذا در این که صاحب اسپرم پدر طفل محسوب می شود هیچ گونه شبهه و تردیدی وجود ندارد و ارتباطی با این مسأله ندارد که فرزند ناشی از مقاربت با زوجه باشد یا این که بعد از لقاح اسپرم و تخمک به رحم زن دیگر منتقل شده باشد، آن چه اهمیت دارد این است که که فرزند از اسپرم مردی به وجود آمده است که به دلیل وجود رابطه خونی، پدر طفل محسوب می شود. صاحب تخمک نیز به دلیل رابطه خونی با طفل متولد از رحم اجاره ای مادر طفل محسوب می شود و تفاوتی نمی نماید که جنین در رحم او رشد و نمو یافته یا در رحم زن دیگر، چرا که یکی از دو عنصر نطفه، تخمک است، به طوری که بدون وجود آن انعقاد نطفه امکان پذیر نخواهد بود. لذا باید بیان داشت صاحب تخمک به دلیل وجود رابطه خونی با طفل، مادر طفل محسوب می شود.



از نظر تحلیلی عقلی حقوقی این بحث پیش می‌آید که یک جنین که از چند سلول تکثیر شده و محصول ترکیب اسپرم و تخمک است وقتی وارد رحمی می‌شود و در آن مکان رشد می‌کند و به عبارت دیگر این چند سلول در اثر وقوع در مکان مناسب، به نام زهدان و جذب مواد غذایی لازم و دریافت اکسیژن از خون صاحب رحم، شروع به تکثیر کرده و در اثر آن رشد کرده و اعضای مختلف بدن وی ساخته می‌شود و به تدریج در اثر رشد جسمی، روح در وی دمیده می‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۱۰۷). در این مورد می‌توان بیان داشت، چون طی یک قرارداد نطفه در داخل رحم زن قرار می‌گیرد، لذا این زن جز حقوق و تکالیفی که به موجب قرار داد برای او به وجود آمده، حقوق و تکالیف دیگر ندارد یعنی حقوق و تکالیف وی محدود به زمان بارداری است که جنین در رحم وی قرار دارد. همان طور که بیان شد یکی از پایه‌های اصلی جنین تخمک است و رحم اجاره‌ای صاحب تخمک نیست و فقط محل پرورش و رشد جنین بوده است. در واقع، از جهتی می‌توان رحم اجاره‌ای را شبیه لوله آزمایش یا دستگاه دیگری دانست که جنین در آن دستگاه رشد می‌کند. در این فرض با لقاح اسپرم و تخمک نطفه شکل گرفته است، در صورتی که با فقدان حکمی از آنها وجود جنین قابل تصور نیست. حال با تشکیل نطفه برای ادامه رشد نطفه به رحم زن غیرصاحب تخمک منتقل می‌شود. علت این انتقال ممکن است به طور مثال به این دلیل باشد که صاحب تخمک دارای بیماری حادی باشد که قادر به بارداری نیست و زنی که رحم خود را اجاره می‌دهد چیزی جز این نیست که تنها رحم خود را برای رشد و نمو جنین در اختیار زوجی قرار می‌دهد که تمایل به پدر و مادر شدن دارند و جز این که، بگوییم به این دلیل که جنین در رحم زن از خون وی تغذیه نموده و رشد و نمو یافته، آثار حرمت نکاح بین آنها برقرار است هیچ حق دیگری برای آن زن ایجاد نخواهد گردید. در خصوص این موضوع می‌توان به ادله رضع نیز رجوع نمود از جمله صحیحۀ عبدالله بن رثاب از امام صادق (ع) وجود دارد که راوی می‌پرسد چه اندازه شیر خوردن موجب حرمت می‌گردد؟ امام (ع) پاسخ می‌دهند مقداری که موجب رویدن گوشت و استرار شدن استخوان گردد. اگر با دقت بیشتری به فرموده امام نگریسته شود در واقع آنچه موجب حرمت است تغذیه طفل از شیر به مقداری است که



مرحب رویدن گوشت و استوار شدن استخوان شود در موضوع مورد بحث نیز جنین از خون زنی که در رحم او رشد و نمو می‌یابد تغذیه کرده و سبب می‌شود جنین از مرحله علقه به مرحله جنینی درآید که مرحله رویدن گوشت و رشد استخوان را نیز شامل شود. لذا با استناد به ادله وضع می‌توان حرمت نکاح را برای این زن قائل شد. لذا به عنوان خلاصه این بحث باید بیان داشت، صاحب اسپرم، پدر و صاحب تخمک مادر طفل متولد از رحم اجاره ای می‌باشند و از همه حقوقی که قانون برای والدین در نظر گرفته از جمله حق حضانت، اطاعت فرزندان از آنان و انفاق والدین برخوردار خواهند بود. اما در مورد زنی که رحم خود را برای رشد و نمو جنین اجاره می‌دهد، جز این که بگوییم تنها آثار حرمت نکاح بین جنین و این زن ایجاد می‌شود هیچ حق دیگری که آن تنها برای صاحب تخمک در نظر گرفته شده، نمی‌توان قائل شد.

نتیجه‌گیری

اجاره رحم، انتقال یک یا شمار بیشتری از جنین‌های ناشی از لقاح تخمک و اسپرم زوج نابارور به رحم یک زن دیگر است. در این حالت فرد اجاره دهنده رحم، تنها یک میزبان برای جنین است و از نظر ژنتیکی هیچگونه مشارکتی با جنین حاصله ندارد. رحم اجاره‌ای در فقه اسلامی مورد قبول است. همچنین صاحب تخمک مادر نوزاد رحم اجاره‌ای به حساب آمده و قهراً صاحب نطفه پدر است و صاحب رحم در حکم مادر رضاعی نوزاد است. با توجه به آنچه بررسی شد، این نتیجه حاصل گردید که موضوع رحم اجاره‌ای با قوانین ایران سازگاری دارد و اکثریت فقها در رابطه با این موضوع با دیدگاه حقوق‌دانان در علم حقوق نظر یکسانی دارند.

نسبت به جانشینی در بارداری از سوی قانونگذار ایران تا به حال، قانون خاصی تصویب یا تدوین نشده است اما با توجه به مباحث بیان شده در پژوهش حاضر و اهمیت موضوع جانشینی در بارداری بهتر است تا قانون‌گذار با وضع قوانینی این قرارداد را به یک نهاد حقوقی با مقررات و شرایط ویژه تبدیل کند.



شرایط این قرارداد به تنهایی و با استناد به عموماً و قواعد عمومی قراردادها ممکن نیست تعیین گردد. شرایط طرفین قرارداد می‌بایستی توسط قانونگذار تعیین گردد و نباید مقررات کلی مربوط به اهلیت را در این مورد مجری دانست؛ چراکه هر شخصی که از نظر قانون اهلیت دارد، شایسته این نیست که قرارداد رحم جایگزین را انعقاد نماید، چه او خواستار فرزند یا متقاضی بارداری برای دیگری باشد.

توافقات جانشینی در بارداری ماهیتاً عقد می‌باشند و قابل فسخ نمی‌باشد، مگر به تراضی طرفین که همان اقاله است و در این قرارداد بعد از استقرار جنین در رحم مادر جانشین حاکمیت با قواعد آمره بوده و اقاله نیز به تبع منتفی می‌شود، اما اقاله بعد از انعقاد قرارداد و قبل از استقرار جنین در رحم مادر جانشین امکان داشته و از اصل پیروی می‌نماید. همچنین، قرارداد رحم جایگزین عقدی معلق بوده و اثر عقد بعد از وقوع حاملگی ایجاد می‌شود که در صورت قبول این نظر دیگر اعتقاد به امکان یا عدم امکان فسخ قرارداد قبل از استقرار جنین فایده عملی نخواهد داشت.

درباره صحت قرارداد رحم جایگزین میان فقها و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد، هر چند که با تصویب قانون اهداء جنین و پذیرش آن قانونگذار انتقال جنین حاصل از اسپرم و تخمک زوجین شرعی و قانونی را به رحم شخص ثالث بیگانه مجاز میداند و آنچه ممکن است موجب بطلان قرارداد رحم جایگزین گردد مغایرت آن با اخلاق حسنه و نظم عمومی است که دلیل قاطعی برای آن وجود ندارد. با وجود پذیرش صحت قرارداد رحم جایگزین به طور کلی مشکل این قرارداد با استناد به عموماً و قواعد عمومی قراردادها قابل حل نیست. درباره موضوع قرارداد نیز می‌باید تصمیم‌گیری نمود که آیا اساساً نیازی به ذکر تعهد صاحب رحم به تحویل کودک وجود دارد یا اینکه چون مادر او صاحب تخمک است طفل باید به او تسلیم شود از سوی دیگر پرداخت اجرت به صاحب رحم نیز ظاهراً در حقوق ایران با هیچ اشکالی مواجه نیست.



منابع و مآخذ

* قرآن کریم.

۱. بیرامی فارفار، ناصر؛ رزم‌خواه، نجمه (۱۳۹۹). نسب کودکان متولدشده از رحم اجاره‌ای؛ مطالعه تطبیقی در حقوق موضوعه ایران و ترکیه. پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۱، بهار ۹۹، صفحات ۲۸۳-۲۹۸.
۲. تاجگر، رضا (۱۳۸۹). تفسیر و تحلیل قرارداد رسمی مادر جانشین (استیجار رحم). مجله کانون، شماره ۱۱، صفحه ۱۲۰.
۳. دادخواه، نسترن؛ باصری، علی؛ میراسکندری، فریبا (۱۳۹۹). فرهنگ رحم‌اجاره‌ای در جامعه‌ی ایرانی شهر تهران مقاله. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۶۳، رتبه الف، صفحات ۱۱۱-۱۵۲.
۴. رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۷). مسئولیت مدنی ناشی از رحم جایگزین. فصلنامه باروری و ناباروری، تابستان ۸۷، صفحات ۱۸۱-۱۶۵.
۵. شاکری، بلال (۱۳۹۶). بررسی فقهی استفاده از رحم اجاره‌ای. فقه اهل بیت. شماره ۸۹، بهار ۹۶. صفحات ۱۴۵-۱۷۵.
۶. شهیدی، مهدی (۱۳۸۵). وضعیت حقوق کودک آزمایشگاهی. مجموعه مقالات حقوقی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
۷. صدر، محمد (۱۴۱۸ق). ماوراء الفقه. چاپ اول، ج ۶، بیروت: دارالوضو.
۸. علیزاده، مهدی (۱۳۸۵). وضعیت فقهی و حقوقی استفاده از رحم جایگزین. الهیات و حقوق، شماره ۱۹، صفحات ۱۷۷-۱۹۶.



۹. قبله‌ای خلیل (۱۳۷۷). بررسی مسائل فقهی و حقوق انتقال جنین. مجله حقوقی قضایی، شماره ۲. صفحه ۶۷.

۱۰. کاشفی، زهره؛ احمدی، محمدحسین (۱۴۰۰). بررسی و واکاوی اهدای جنین، تخمک و رحم اجاره‌ای از منظر فقه و حقوق. علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم، زمستان ۱۴۰۰، دوره ۵، شماره ۱، صفحات ۴۶-۶۷.

۱۱. کریمی، نسرین؛ مهتری، زهرا (۱۳۹۱). حکم فقهی رحم اجاره‌ای. مطالعات فقهی و فلسفی، زمستان ۹۱، شماره ۱۲، صفحات ۷۹۱-۸۰۸.

۱۲. لطفی، حسینعلی (۱۴۰۰). رحم اجاره‌ای از دیدگاه فقه اهل بیت علیه‌السلام و فقه اهل سنت. جستارهایی در فقه پزشکی، بهار و تابستان، شماره ۶، صفحات ۱۴۹-۱۷۶.

۱۳. محمدحسین حیران، مهسا؛ اصغرزاده، قاسم؛ سلیمانی ملایوسف، ایران (۱۴۰۱). بررسی حقوقی و فقهی رحم اجاره‌ای در ایران. مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق، دوره ۶، خرداد، صفحات ۳۵۶-۳۶۰.

۱۴. معین، محمد (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی معین. ج ۲، تهران: امیرکبیر.

۱۵. مکی عاملی (شهید اول)، شمس الدین محمد بن مکی عاملی (۱۳۹۷). ترجمه و شرح تطبیقی لمعه «متاجر؛ دین؛ اجاره؛ جعاله؛ شرکت؛ مضاربه؛ صلح». دکتر محمدرضا عزیزاللهی کرمانی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

۱۶. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۶). اندیشه‌های حقوقی ۱: حقوق خانواده. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.



۱۷. نایب‌زاده، عباس (۱۳۸۰). تلقیح مصنوعی در اندیشه فقهی - حقوقی و موافقان و مخالفان

آن. فصلنامه فقه و حقوق اسلامی. شماره ۳۶.

۱۸. ندایی، کاظم (۱۳۹۲). رحم اجاره‌ای از دیدگاه فقه قرآنی. بیداری قرآنی در تاریخ

معاصر، دوره ۲، صفحات ۲۶۲-۲۷۶.

۱۹. هاشمی، احمدعلی؛ افتاده، لیلا (۱۳۹۸). بررسی احکام نسب و تابعیت طفل متولد شده از

عقد رحم اجاره‌ای. مطالعات علوم انسانی، پاییز ۹۸، شماره ۱۹، صفحات ۱۲۰-۱۲۸.

۲۰. Ponzetti James J. Editor in chief. *International Encyclopedia of Marriage and Family*. 2nd Edition, U.S.A., Macmillan Reference. 2003; p: 92.

۲۱. Novak E. Berek & Novak & gynecology. 15th ed. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins; 2012.

۲۲. Brinsden PR, *Gestational surrogacy*. Hum Reprod Update 2003; 9(5): 483-91.

۲۳. Nurizadeh R. *Ethical challenges of surrogacy in Iran*. Med Ethic 2009; 3: 155-86. (Persian).